

علیه کشتار جمعی مردم غزه، علیه جنگ نیابتی در فلسطین و اسرائیل



نیروهای شبه نظامی حماس در بامداد شنبه هفتم اکتبر قادر شدند تا با تهاجم نظامی برق آسا از طریق زمین، هوا و دریا به اسرائیل، دیوار امنیتی و چتر دفاعی هوشمند موساد- سیا را شکسته و جنگ و تروریسم دولتی اسرائیل را با جنایاتی مشابه و متقابل در خاک اسرائیل پاسخ دهند. ارتش اسرائیل نیز برای جبران این شکست بی سابقه، اقدام به بمباران و کشتار گسترده مردم بی دفاع غزه کرده است. شمار قربانیان تروریسم دولتی و غیر دولتی اسرائیل و حماس همچنان رو به افزایش بوده و تاکنون بیش از هزاران انسان بی دفاع در بمباران نوار غزه و عملیات موضعی حماس در درون شهرهای اسرائیل کشته، زخمی و بی خانمان گشته اند.

این جنگ برخلاف آنچه در تبلیغات طرفین درگیر جار زده میشود، یک عملیات انتقام جویانه مسلمانان متعصب از یهودیان و یا حتی عملیات تلافی جویانه یک گروه اسلامی علیه تروریسم دولتی اسرائیل نیست. این کشتار در تداوم جنگهای نیابتی قدرتهای جهانی میان قلدان سیاسی و الیگارشهای مالی غرب و شرق به پا شده است. در پس حوادث خونبار دیروز و امروز در غزه و اسرائیل، انستیتوهای فکری قدرتها و برنامه ریزان شرکتهای تولید وسایل جنگ و مرگ جمعی قرار دارند.

بر هیچ یک از بازیگران این صحنه های خونین و قدرتهای پشت پرده این جنایات پوشیده نیست که چه چیزی در حال رخ دادن است. بر هیچ یک از اینان پوشیده نیست که به پرواز در آمدن گلابدرهای موتورهای کماندوهای مسلح حماس بر فراز مناطق نظامی اسرائیل و کشتار مردم بی دفاع اسرائیل توسط دسته های جهادی در تداوم رقابت های نظامی قدرتهای محلی و منطقه ای رقم میخورد. آنچه امروز در اسرائیل و غزه رخ میدهد، تداوم جنگهای نیابتی سابق این قدرتها است.

یکی از نتایج بلاواسطه عملیات گسترده نظامی حماس در خاک اسرائیل، توقف دیپلماسی آمریکا- عربستان در فلسطین و لبنان و پیشروی جمهوری اسلامی در بازی های کثیف دیپلماسی منطقه ای است. این تحولات چنانچه با پیشروی روسیه در جنگ اوکراین و اعمال فشار بیشتر چین به غرب همراه گردد، آمریکا و اروپای گرفتار در ورطه بحران سیاست و اقتصاد جهانی را در مقابل قواعد جدید بازی سیاست بین الملل قرار میدهد. شرایطی که در آن، جمهوری اسلامی قابلیت ارتجاعی زیادی در سرکوب خونین امواج خیزش های داخلی و ایفای نقش کلیدی در رقابت های میان ناتو و پیشروی پیمان شانگهای نشان داده است.

قدرتهای هردو سوی این معاملات کثیف سیاسی در بر افروخته شدن آتش جنگ فعلی نقش دارند. معاملات دیپلماتیک آمریکا و اروپا با جمهوری اسلامی برای به شکست کشاندن جنبش زن، زندگی، آزادی از طریق کشاندن مترسک های انقلاب مخرمی به صحنه و سرانجام توافقات دیپلماتیک اخیر بمنظور پا برجا نگاه داشتن مافیای اسلامی، عامل مهمی در این ابراز وجود جنبش ارتجاع اسلامی است. همانگونه که پشتیبانی بی قید و شرط این قدرتها از جنایات تا کنونی اسرائیل علیه مردم فلسطین، نقش مهمی در بر پا شدن آتش جنگ فعلی دارد. جنگ حماس و اسرائیل، تداوم مقاومت جنبش سنتی فلسطین و نیروهای آن در مقابل جنایات اسرائیل نیست. این جنگ همانند جنگ روسیه و اوکراین و کودتاهای خونین کشورهای آفریقایی در دوره اخیر در تداوم جنگهای نیابتی صورت گرفته و بخشی از ابزارهای پیشبرد دیپلماسی قدرت در منطقه و جهان است.

فراخوان و اعلان بسیج عمومی دولت ضد مردمی اسرائیل برای «یک جنگ همه جانبه علیه دشمن»، یک اقدام سیاسی ریاکارانه است. این فراخوان در هراس از شورش های داخلی و با هدف قتل عام جمعی در غزه صورت گرفته است. رژیم های حاکم بر اسرائیل و ایران و حامیان جهانی این دول مسئولان اصلی کشتار در حال وقوع در غزه و اسرائیل هستند.

سرمایه داری جهانی در ورطه یک بحران لاعلاج اقتصادی سیاسی، کل جامعه بشری را بسوی جنگ و فلاکت عمومی سوق میدهد. احزاب و بازیگران سیاسی راست و چپ نظم موجود، به رغم هیاهوی اعتقاد به دمکراسی، صلح و رفاه جامعه، بمثابه سخنگویان باندهای مافیایی سرمایه داری جهانی، سازمان دهندگان این جنگهای خامنوسوز هستند. «امپریالیستها و ضد امپریالیستهای» این نظم جهانی به یک میزان در تحمیل کشتار و استثمار بر خیل وسیع انسانها نقش دارند.

بسوی تشکیل کانونهای جنبش ضد جنگ و ضد سرمایه داری

علیه دولت های خودی درگیر در دوسوی جنگ ارتجاعی

زنده باد جنبش بین المللی طبقه کارگر

۸ اکتبر ۲۰۲۳

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست